

بررسی مقصود از زینت در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره اعراف

مهدی افتخار*

چکیده

درباره مقصود از چیستی زینت در آیات ۳۱ و ۳۲ اعراف: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ... قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» میان مفسران دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی از مفسران از آیات فوق مباح بودن تجمل‌گرایی یا مستحب بودن آن در نماز را فهمیده‌اند. از بررسی سه دسته از تفاسیر که جنبه‌های: صوری، معنوی و هر دو جنبه صوری و معنوی آیات را مدنظر قرار می‌دهند و نیز توجه به احادیث وارده در ذیل آیات، نتیجه آن می‌شود که چنین زینت نمی‌تواند لباس‌های اهل تجمل باشد، بلکه مقصود آیه در وهله نخست پوشش نماز خواندن و سپس لباس سفید، تمیز و مرتب است و در نهایت خوب است نمازگزار در هنگام اعیاد، بهترین لباس موجود خود را بپوشد و بدیهی است که نباید این لباس، لباس شهرت یا تَبذیر و زربفت و حریر (برای مردان) باشد. نمازگزار در کنار لباس ظاهری، باید در نماز و به‌ویژه در مسجد آرایه‌های باطنی و معنوی را با خود داشته باشد. لباس تقوا، اخلاق، درک حضور الهی و امثال آن از لوازم نماز است که نمازگزار باید نسبت به زینت گرفتن از آنها در نماز اهتمام ورزد.

واژگان کلیدی

آیات ۳۱ و ۳۲ اعراف، تفسیر فقهی، زینت ظاهری، زینت معنوی، پوشش نماز.

em45sh@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۳

*. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی سمنان.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۳

طرح مسئله

بحث زینت و تجمل از مباحثی است که از گذشته تا کنون در میان علمای اخلاق محل بحث و نظر بوده است. چگونگی و میزان بهره‌وری از دنیا و زیبایی‌ها و مظاهر آن در مباحث اخلاقی و سبک زندگی اسلامی از مسائل زیر بنایی محسوب می‌گردد. در این که زینت‌های مادی دنیا و تجملات دنیایی مذموم و مانع راه آخرت و منافعی با سبک زندگی اسلامی و معنوی است، بحثی نیست، اما مشکل صغرای قضیه است، بدین معنا که مصادیق این قبیل زینت‌ها چیست؟ آیات ۳۱ و ۳۲ سوره اعراف در این مورد معرکه آراء است: در آیه نخست به برگرفتن زینت در مسجد دستور می‌دهد و در آیه دوم به صورت استفهام انکاری می‌پرسد: «چه کسی زینتی که خدا برای بندگانش بیرون آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!». این آیه باعث شده برخی مطلق زینت‌های دنیا را حلال اعلام کنند یا نتیجه بگیرند که استفاده از زینت‌های دنیا محبوب خدای متعال است. به نظر می‌رسد ریشه این بحث را باید در مرحله نخست در خود قرآن کریم جستجو نمود و سپس در احادیث.

ترجمه «خُدُوا زینتکم» در ترجمه‌های فارسی

توجه به ترجمه‌های متفاوت «خُدُوا زینتکم» برای روشن شدن محل نزاع مفید است. ترجمه‌های آیه را می‌توان در چند گروه دسته‌بندی نمود:

۱. بیشتر مترجمان آن را به گونه تحت اللفظی «زینت خود را بگیرید» ترجمه کرده‌اند. (ارفع، ۱۳۸۱: ۱۵۴، الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۱۵۴ و شعرانی، ۱۳۷۴: ۱۴۴)
۲. در مرتبه بعد فقط لباس پوشیدن و برهنه نبودن: عاملی: «برهنه نباشید». (عاملی، ۱۳۶۰: ۴ / ۱۴۳) خواجوی: «لباس خویش در برگزید». (خواجوی، ۱۴۱۰: ۵۸) آیتی: «لباس خود بپوشید». (آیتی، ۱۳۷۴: ۱۵۴) فولادوند: «جامه خود را در هر نمازی برگزید». (فولادوند، ۱۴۱۵: ۱۵۴)
۳. برخی آن را به لباس مناسب و آراسته پوشیدن، در مقابل کثیف و ژولیده بودن معنا کرده‌اند: کشف الاسرار: «آرایش گیرید و جامه بپوشید». (میبدی، ۱۳۷۱: ۳ / ۵۹۱) مجتبوی: «جامه و آنچه مایه آراستگی است بر گیرید» (مجتبوی، ۱۳۷۱: ۱۵۴) و پورجوادی: «لباس شایسته» (پورجوادی، ۱۴۱۴: ۱۵۳) معنا کرده است.
۴. برخی بهترین لباس را پوشیدن معنا کرده‌اند: فیض الاسلام: «بهترین و پاکترین جامه‌های خود را بپوشید». (فیض الاسلام، ۱۳۷۸: ۱ / ۳۰۱)
۵. برخی زینت مادی و معنوی را مطرح کرده‌اند: انصاریان: «زینت مادی و معنوی خود را متناسب با

آن عمل و مکان برگیرید». (انصاریان، ۱۳۸۳: ۱۵۴)
۶. برخی زینت نکردن معنا کرده‌اند: گرمارودی: «در هر نمازگاهی زیور خود را بردارید». (گرمارودی، ۱۳۸۴: ۱۵۴) مجد: «همه زیورآلات را برکنید». (مجد، ۱۳۸۲: ۱۵۴)
۷. برخی به لباس زینتی پوشیدن تصریح نموده‌اند: «لباس بپوشید و عریان نباشید و حتی لباس خوب و زینت‌دار خود را در برکنید». (خسروی، ۱۳۹۰: ۳ / ۲۲۶)
ملاحظه می‌شود که ترجمه‌ها از «مطلقاً زینت ظاهری نکردن» در نماز تا «داشتن لباس زینتی» متغیر است.

معنای لغوی زینت

«زین» در اصل به معنای زیبایی و نیکویی و در مقابل «شین» است و به هر چیزی که موجب زیبایی شود «الزینة» می‌گویند و به خاطر این که روز عید مردم زینت می‌کنند به آن «یوم الزینة» گفته شده است. «الزینة» به سکون یاء و «الزونه» دارای همین معنا است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳ / ۲۰۱) در آیات ذیل زینت به همین معنا به کار رفته است:

إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ. (صافات / ۶)
همانا ماییم که آسمان دنیا را با زینت ستارگان آراستیم.
وَلَكِنَّا حُمِلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا. (طه / ۸۷)
بلکه از زر و زیور مردم انبوهی به ما داده شد و آنها را (در آتش) انداختیم.
مَوْعِدَكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ. (طه / ۵۹)
موعد شما روز زینت است.

راغب اصفهانی زینت را به سه قسم تقسیم کرده است:

زینت نفسانی، مانند: علم و اعتقادات نیکو، زینت بدنی و خصوصیات ظاهری مانند: قدرت و قد بلند و زینت خارجی مانند: دارایی و مقام. مثال مورد نخست در قرآن: «حَبَبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيْنَتُهُ فِي قُلُوبِكُمْ». (حجرات / ۷) مثال مورد دوم: «مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ»، (اعراف / ۳۲) و مثال مورد سوم: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ» (قصص / ۷۹) است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۳۸۹)

درباره موارد استعمال زینت می‌توان تقسیم دیگری نیز مطرح کرد؛ به این ترتیب که زینت در این دنیا

ممکن است مربوط به جهان مادی باشد یا مربوط به زندگی انسان و تکالیف او. زینت دنیای مادی یا در زمین است: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا» (کهف / ۷) یا در آسمان: «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (صافات / ۶)

زینت‌های مرتبط با زندگی انسان و وظایف دینی او یا به حیات مادی او مربوط هستند یا به حیات طیبه معنوی او. دسته نخست خود به پنج بخش قابل تقسیم است:

حرام: لباس حریر در نماز یا لباس شهرت؛

مکروه: لباس سرخ برای مردان؛

مباح: لباس‌های معمولی؛

مستحب: لباس‌های سفید و انگشتر یا شانه کردن مو در نماز؛

واجب: پوشیدن لباس در حد ستر عورت در نماز.

زینت‌های حیات معنوی، یا واجب است، مانند: ایمان و اخلاق نیکو: «لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات / ۷) و یا مستحب است، مانند: باقیات الصالحات، یقین، مشاهده ملکوت و امثال آن. هنگامی که قرآن می‌فرماید: مال و پسران زینت حیات دنیا هستند اما باقیات الصالحات بهتر است؛ یعنی زینت بخش تر است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرًا مَلًّا». (کهف / ۴۶)

تفسیر آیات

تفاسیر مربوط به دو آیه محل بحث را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته یکم: شامل تفاسیری است که بیشتر به بحث‌های لغوی و حدیثی می‌پردازند.

دسته دوم: از این‌گونه مباحث کلا صرف‌نظر نموده به جنبه‌های باطنی و تأویلی مشغول می‌شوند.

دسته سوم: هر دو جنبه را در نظر می‌گیرند.

الف) تفاسیر ناظر به گرایش‌های ادبی و روایی

از گروه نخست می‌توان تفاسیر زیر را مورد استناد قرار داد:

در تفسیر نور الثقلین بیشتر از هر تفسیر روایی دیگری روایات ذیل آیه جمع آوری شده است. حویزی

در ابتدا با نقل روایاتی می‌گوید آیه ۳۱ سوره اعراف مربوط به نماز جمعه و عید فطر و قربان است و سپس

روایات متعددی با مضامینی مختلف در تفسیر زینت در مسجد می‌آورد از جمله: حمام رفتن و غسل کردن و

لباس سفید پوشیدن، شانه کردن موی سر و صورت، شانه کردن ریش در هر نمازی، لباس آراسته پوشیدن، پوشیدن لباس، پوشیدن بهترین لباسی که شخص دارد و غسل کردن برای ملاقات با امام (در معنای تأویلی). (حویزی، ۱۴۱۵: ۲، ۱۸ و ۱۹)

همچنین حویزی نقل می‌کند که ثقیان ثوری، امام صادق علیه السلام را در مسجد الحرام می‌بیند که لباس مروی^۱ نیکویی پوشیده است. به ایشان عرض می‌کند: پوشیدن چنین لباس پر قیمتی سزاوار شما نیست، پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و هیچ‌یک از پدران شما چنین لباسی نمی‌پوشید؟! ایشان در جواب می‌فرماید: آنان در زمانی بودند که مردم در سختی زندگی می‌کردند، اما امروز درهای دنیا گشوده شده و بهترین کسانی که از آنها استفاده می‌کنند ابرار هستند و آیه ۳۱ سوره اعراف را تلاوت فرمود. راوی در ادامه حدیث نقل می‌کند که امام علیه السلام لباس زیر خود را نشان داد که از پشم زبر بود بر خلاف ثقیان که لباس روی او زبر بود اما لباس زیرش نرم. در ادامه همین جریان را نقل می‌کند با این تفاوت که اعتراض کننده عباد بن کثیر است و جواب امام این است که وقتی خدای متعال نعمتی را به بنده‌ای ارزانی می‌کند، دوست دارد اثر آن را بر او ببیند. (همان: ۲۱)

همچنین از حمیری نقل می‌کند که امام سجاده علیه السلام در زمستان لباسی از خز را ۵۰ دینار می‌خرید و در تابستان می‌فروخت و پولش را صدقه می‌داد و می‌فرمود: اشکالی ندارد و آیه ۳۱ سوره اعراف را تلاوت می‌کرد. (همان؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۳۵۸)

در همین مورد حدیثی از امام علی علیه السلام درباره «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ...» از امالی شیخ طوسی به نقل از امیرمؤمنان علیه السلام می‌آورد:

اعلموا یا عباد الله ان المتقين جازوا عاجل الخیر و آجله، شارکوا أهل الدنيا فی دنیاهم و لم یشارکهم أهل الدنيا فی آخرتهم، أباح لهم الله فی الدنيا ما کفاهم به و أغناهم، قال الله عز و جل: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ...» سکونوا الدنيا بأفضل ما سکنت و أکلوها بأفضل ما أکلت، شارکوا أهل الدنيا فی دنیاهم فأکلوا معهم من طيبات ما یأکلون و شربوا من طيبات ما یشربون، و لبسوا من أفضل ما یلبسون... و هم غدا جیران الله.

ای بندگان خدا بدانید که خیر دنیا و آخرت نصیب اهل تقوا است، آنان با اهل دنیا در دنیاایشان شریک شدند اما اهل دنیا در آخرت آنان شریک نشدند. خدای متعال در دنیا آنچه را موجب کفایت و بی‌نیازی آنان است بر ایشان مباح کرد. خدای عزوجل

۱. پالتویی منسوب به شهر مرو خراسان.

می‌فرماید: «بگو چه کسی زینتی را که خدا برای بندگانش بیرون آورده، حرام می‌کند؟» آنان (اهل تقوا) در دنیا در بافضیلت‌ترین جایی که اهل دنیا زندگی می‌کردند، زندگی کردند و از آن به بافضیلت‌ترین نحو ارتزاق نمودند: با اهل دنیا شریک شدند و از چیزهای پاکیزه‌ای که آنها می‌خورند، خوردند و از نوشیدنی‌های پاکیزه‌ای که آنها می‌نوشند، نوشیدند و از بهترین لباس‌هایی که آنها می‌پوشند، پوشیدند ... و در آخرت همسایگان خدای متعال خواهند بود. (حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۴ - ۱۸)

امین‌الاسلام طبرسی در مجمع‌البیان به نقل از امام باقر علیه السلام «خُدُو زینتکم عند کُلِّ مَسْجِدٍ» را پوشیدن بهترین لباس‌های زینتی برای نماز جمعه و اعیاد ذکر می‌کند. همچنین از امام علی بن‌الحسین علیه السلام نقل می‌کند که می‌فرمود: بهترین لباسم را برای نماز می‌پوشم؛ چون خدا زیبا است و زیبایی را دوست دارد. سپس معنای عربیان نبودن در نماز و شانه کردن موها قبل از نماز را هم می‌آورد. و «مَنْ حَرَمَ زینتَ اللَّهِ الَّتِي...» را لباس‌های حلالی که مردم برای زینت می‌پوشند، معنا کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۶۳۷ و ۶۳۸)

فاضل مقداد در کنز‌العرفان شأن نزول آیه را عربیان طواف کردن مشرکین در مسجد الحرام ذکر می‌کند و می‌گوید: تمام مفسران بر این اتفاق نظر دارند که مراد از اخذ زینت در آیه ستر عورت در نماز است، سپس از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل می‌کند که مستحب است در نماز جماعت و نماز عید زیباترین لباسش را بپوشند و آن را دلیل می‌گیرد بر استحباب نیکو پوشیدن و لباس خشن نپوشیدن در نماز مگر، که شعار باشد، و سپس داستانی را به‌عنوان مشهور در صحبت جهله صوفیه با امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که گروهی از آنان به دیدن ایشان آمدند و گفتند: انتظار از شما این است که لباس خشن بپوشید و غذای سخت بخورید و ایشان در جواب فرمود: یوسف پیامبر لباس حریر طلاافت می‌پوشید، بر اریکه فرعون تکیه می‌زد و حکم می‌کرد، از امام هم فقط صدق در گفتار و وعده‌ها و حکم به عدالت خواسته شده است و خدا هیچ لباسی و هیچ غذایی را حرام نکرده و آیه: «قُلْ مَنْ حَرَمَ زینةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف / ۳۲) را خواند. (فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۱ / ۹۵)

در انوار التنزیل و اسرار التأویل بیضاوی معتقد است «خُدُو زینتکم» برای ستر عورت در نماز و یا در طواف لباس پوشیدن است و اضافه می‌کند که سنت این است که شخص برای نماز بهترین هیئت را داشته باشد. وی از ابن‌عباس نقل می‌کند: هرچه می‌خواهی بخور و هرچه می‌خواهی بپوش، اما اسراف و کم‌گذاردن باعث خطایست می‌شود.

وی آیه: «قُلْ مَنْ حَرَمَ زینةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ...» (اعراف / ۳۲) را به این معنا می‌گیرد که تجمل در

لباس یا چیزهای دیگر از جنس چیزهای طبیعی مثل پنبه و کتان و حریر و پشم و چیزهای معدنی همه حلال‌اند و اصل در خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها و انواع تجملات اباحه است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۱)

در جمع‌بندی این دسته از تفاسیر می‌توان گفت تمام مفسران بر این اتفاق نظر دارند که مراد از اخذ زینت در آیه، ستر عورت در نماز است و مستحب است نمازگزاران در نماز جماعت و نماز عید زیباترین لباس را بپوشند، از لباس‌های حلالی که مردم برای زینت می‌پوشند. البته نمی‌توان پذیرفت که پوشیدن لباس‌های تجملاتی و گران‌قیمت مراد بوده است

ب) تفاسیر ناظر به گرایش‌های عرفانی

دسته دوم تفاسیر عرفانی و اشاری هستند که سه تفسیر از این دست مورد بررسی قرار می‌گیرد. از نظر قشیری در *لطائف الاشارات* برگرفتن زینت برحسب علم (تفسیر) و جوب ستر عورت در نماز است، و برحسب اشاره، زینت بنده در حضور خدا بودن و استقامت و دوام شهود است. به نقل او زینت نفوس عبادت‌کنندگان آثار سجود و زینت قلوب عارفان انوار وجود است ... اشاره دیگر این که زینت عبادت‌کنندگان آثار توحید و زینت واجدین انوار تحقیق و زینت قاصدین ترک عادت و زینت عابدین نیکویی عبادت است. به نقل وی زینت زبان ذکر و زینت قلب شکر است و گفته می‌شود زینت ظاهر سجود و زینت باطن شهود است

از نظر او معنای آیه: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي...» (اعراف / ۳۲) چنین است: خدا این زینت‌ها را از کسانی که خود را در معرض آن قرار دهند منع نمی‌کند، پس برای هر که به دنبال آنها باشد مباح است، رزق نفوس از فضل او و رزق قلوب از اقبالش است. (قشیری، بی‌تا: ۵۳۱ و ۵۳۲)

اما از نظر ابن عربی «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» یعنی ملازم زینت‌های نماز باشید و به آنها تمسک جویند: زینت مقام اول سجده اخلاص در عمل برای خدا است و زینت مقام دوم توکل و مراعات شرایط آن است و زینت مقام سوم قیام به حق رضا است و زینت مقام چهارم تمکین در تحقق به حقیقت حقیقه و مراعات حقوق استقامت است، وی درباره «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» (اعراف / ۳۲) می‌گوید: یعنی کسی اهل نماز را از تزئین به این زینت‌ها منع نکرده و کسی نمی‌تواند بگوید خدا مانع این زینت‌ها شد. وی ارزاق طیب که به‌طور خالص در قیامت مخصوص مؤمنین است را علوم پاکیزه و علوم مقام توکل و رضا و تمکین می‌داند که در این دنیا برای آنان است، اما در قیامت خالص از تلویحات و بقایای افعال و صفات و ذات نصیب آنان می‌گردد. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱ / ۲۳۳)

نخجوانی در کتاب تفسیر خود، *الفواتح الالهیه*، «زینة الله» را حقایق، معارف، مکاشفات و مشاهدات

می‌داند؛ خصوصاً آنها که در مساجد رخ می‌نماید. وی «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» (اعراف / ۳۲) را مربوط به تجلیات اسمائی، صفاتی و ذاتی می‌داند که مخصوص بندگان خالص است و این گروه خاص از آنها محروم نمی‌شوند. به همین خاطر روزی‌های پاکیزه - در ادامه آیه - را روزی‌های معنوی و لذت‌های روحانی می‌داند که هم در دنیا نصیب آنان است و هم در آخرت. در دنیا با قوای بشری و کدورات حیوانی مخلوط است، اما در آخرت به‌طور خالص فقط نصیب بندگان خاص الهی که در این دنیا به مقام توحید رسیده‌اند، خواهد بود. (نخجوانی، ۱۹۹۹: ۱ / ۲۴۷)

ملاحظه می‌شود که توجه این دسته تفاسیر تنها به جنبه‌های باطنی نماز و عبادت معطوف شده است. در این دسته تفاسیر هرچند مطالب صحیحی نقل شود چندان توجهی به انطباق و هماهنگی با الفاظ آیات وجود ندارد.

ج) تفاسیر ناظر به گرایش‌های مختلف تفسیری

گروه سوم تفاسیری است که هم به جنبه‌های ادبی و تاریخی و فقهی آیه نظر دارند و هم به جنبه‌های باطنی آن.

گنابادی در بیان السعاده برگرفتن زینت در نماز را مجموعه‌ای از زیبایی‌های ظاهری و باطنی می‌داند، از قبیل: پاکیزگی بدن از پلیدی‌ها و آلودگی‌ها، لباس‌های زیبا و پاکیزه، زیبا کردن موی‌های سر و ریش با شانه کردن و روغن زدن و خضاب، و از قبیل کارهای پسندیده، اقوال فصیح که روشن‌کننده امور آخرت‌اند، محبت خویشاوندان و عقاید صحیح، و نیز احوال و اخلاق زیبا و مکاشفات صحیح و مشاهدات قلبی و معاینات روحی و امثال آن. وی درباره «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» (اعراف / ۳۲) معتقد است: گویا گروهی ترک زینت و ترک مأكول و مشروب پاکیزه را از لوازم عبادت و طلب آخرت می‌شمردند، پس آنها را اولاً امر به تزیین و اکل و شرب نمود و ثانیاً از باب تأکید تحریم آن را انکار نمود. توصیف زینت، به اخراج برای بندگان، جهت اشاره به این است که زینت اولاً و بالذات برای کسی است که عبد خدا باشد و برای غیر او به تبعیت حاصل می‌شود، نه این که برای بندگان به‌خاطر عبادتشان حرام باشد. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۲ / ۱۷۶)

از نظر علامه طباطبایی در المیزان معنای «به همراه برداشتن زینت در موقع رفتن به‌سوی مسجد» آرایش ظاهری نیست، بلکه آرایشی است معنوی که مناسب با نماز و طواف و سایر عبادات باشد. پس معنای آیه بر می‌گردد به امر به زینت کردن نیکو (ی معنوی) برای نماز و غیر آن و اطلاق آن شامل نماز اعیاد و جماعات و نمازهای یومیه و سایر وجوه عبادت و ذکر می‌شود. ایشان زینتی که حرام نشده و

خدای متعال برای بندگان ایجاد کرده را به قرینه تقابل «زین» با «شین»، همه اموری می‌داند که در اجتماع نفرت را از بین می‌برد؛ اعم از امور ظاهری و باطنی. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۷۹ و ۸۰)

منطق قرآن درباره دنیا و زینت‌های آن

برای روشن‌تر شدن معنای زینت موردنظر قرآن می‌توان از دیدگاه کلی قرآن درباره زینت‌های دنیایی و دنبال کردن معنای زینت به صورت موضوعی نیز کمک گرفت.

ملاحظه شد که در تفاسیر درباره زینت در نماز اختلاف زیادی وجود دارد؛ از فقط عریان نبودن تا پوشیدن گران‌قیمت‌ترین لباس‌ها و از زینت‌های مادی صرف تا زینت‌های معنوی و روحی صرف. اما فهم معنای دنیا در قرآن و منطق قرآن درباره دنیا و بهره‌وری از آن می‌تواند برای به‌دست آوردن راه حل اختلاف تفاسیر راهگشا باشد. همان‌طور که در منطق و منظر قرآن میان دنیا و آخرت تقابل وجود دارد، این هر دو برای خود زینت‌هایی دارد که در منطق توحیدی قرآن طبق حکمت الهی، خدا هر دو را در دل‌های انسان‌ها زینت داده است. درباره زینت‌های معنوی می‌فرماید:

وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ
أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ. (حجرات / ۷)

لیکن خدای تعالی ایمان را محبوب شما کرد و در دل‌هایتان زینت داد و کفر و فسوق و عصیان را مورد نفرتتان قرار داد، اینان رشد یافتگانند.

درباره زینت‌های مادی می‌فرماید:

زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (بقره / ۲۱۲)

زندگی دنیا در نظر کسانی که کافر شدند زینت داده شده و به‌همین جهت کسانی را که ایمان آوردند مسخره می‌کنند؛ درحالی‌که مردم با تقوا در روز قیامت فوق آنانند و خدا هر که را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.

از استناد آیه به دارایی بیشتر و روزی‌های فراوان مؤمنین در آخرت، معلوم می‌شود مسخره کردن مؤمنین توسط کافران به‌خاطر فقیر بودن مؤمنین بوده است؛ یعنی به‌خاطر کم بودن دارایی‌های آنها در دنیا و فقیر بودن و نامناسب بودن هیئت ظاهری مؤمنین، آنان را مسخره می‌کردند. قرآن در جای دیگر زینت‌های دنیا را به تفصیل بیان می‌نماید که همه از مایه‌های شهوات انسان و

مربوط به زندگی موقت در این جهان‌اند:

زَيْنَ لِلتَّائِسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ
وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاِبِ.
(آل عمران / ۱۴)

علاقه به شهوات برای مردم زینت داده شده است؛ یعنی: زنان و فرزندان و گنجینه‌های
پر از طلا و نقره و اسبان نشان‌دار و چارپایان و مزرعه‌ها، اینها وسیله زندگی موقت دنیا
است و سرانجام نیک نزد خدا است.

دوستی شهوت‌ها و پیروی از هواهای نفسانی را با زینت دادن توصیف کرده است، پس هر که تمامی
آنها را دوست بدارد، تمام دنیا را در نهایت دوست داشته است و هر کس اصل یا فرعی از آنها را دوست
بدارد، بخشی از دنیا را دوست داشته است. بنابراین دنیا معادل با شهوت‌هاست.
در مقابل این شهوت‌زدگان کسانی قرار دارند که به حیات واقعی زنده شده‌اند و با نور ایمان در این
جهان اعمال خیر انجام می‌دهند و به سوی سعادت جاوید راه می‌پیمایند:

أَوْ مَنْ كَانَ مَمِيئًا فَآخِيئِنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ
بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ يُزَيِّنُ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (انعام / ۱۲۲)

آیا آن کس که مرده بود و زنده‌اش کرده برای او نوری قرار دادیم که به کمک آن میان
مردم راه می‌رود با کسی که صفت وی در ظلمات (بودن) است و از آن بیرون شدنی
نیست چگونه مثل هم توانند بود؟

بدین‌سان برای کسانی که کافر شده‌اند اعمالی که می‌کرده‌اند آرایش یافته است.
قرآن در جای دیگر می‌فرماید:

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ
يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ، كَذَلِكَ يُزَيِّنُ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (یونس / ۱۲)

چون زبانی به آدمی برسد، در هر حالت که باشد - به پهلو خفته یا نشسته و یا ایستاده - ما
را به دعا می‌خواند، اما وقتی رنج او را برطرف کردیم چنان می‌رود که گویی هرگز برای دفع
مشکل خود ما را نخوانده بود، بدین‌گونه کردار مسرفان در نظرشان زینت داده شده است.

یعنی اعراض از یاد خدا و توسل به او و احساس بی‌نیازی با برخورداری از دنیا نتیجه زینت دنیا در
دل‌های آنان است.

قرآن در جای دیگر می‌فرماید:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ. (محمد / ۱۴)
آیا کسی که از جانب پروردگارت دلیل روشنی دارد با کسی که کردار بد او در نظرش
جلوه کرده است و از هوای نفس پیروی می‌کند برابر است؟

نیز فرمود:

فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ * وَءَاثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ * وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَىٰ
النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ. (نازعات / ۴۱ - ۳۷)

اگر کسی که طغیان نمود و زندگانی دنیا را برگزید پس جهنم جایگاه اوست و اما هر که
از مقام پروردگارش هراسید و نفس را از هوی باز دارد به یقین بهشت جایگاه اوست.

نتیجه آنکه در منطق قرآن زینت یافتن دنیا در قلب هماهنگ با پیروی از هوای نفس و رستگاری
هماهنگ با مخالفت با هواها است، و دنیا، اطاعت نفس از هواهوس، به طرف زینت‌های دنیا است که
موجب شقاوت ابدی می‌باشد.

چنان‌که علامه مجلسی از احادیث نتیجه می‌گیرد دنیا کم و زیادش و حلال و حرامش ملعون (دور
افتاده از رحمت خدا) است مگر آن مقداری که به تقوا کمک کند که همان مقدار ضروری از احتیاجات
است و این مقدار، دنیا محسوب نمی‌شود و هر کس معرفتش بیشتر و قوی‌تر باشد، بیشتر از نعمت‌های
دنیا پرهیز می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۰ / ۲۸) عین همین عبارتها را نراقی در جامع السعادات می‌آورد
(نراقی، بی‌تا: ۲ / ۳۴) بنابراین نکته قابل توجه آن است که نیازمندی‌ها از دنیا نیست؛ زیرا نتیجه
ضرورت‌های زندگی است و توجه به نیازهای ضروری شهوت نامیده نمی‌شود، اگرچه انسان به آن گرایش
داشته باشد. این مطلب با خبری که صاحب نور الثقلین از امام علی علیه السلام مبنی بر استفاده از مباحات در حد
ضرورت و کفاف نقل کرد هماهنگ خواهد بود. بنابراین توجه بیش از حد ضرورت به دنیا و زینت‌هایش
در هر حال اگر حرام هم نباشد از نظر اخلاقی مردود است.

معنای زینت دنیا

قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَتَّبِلُوهُمْ أَتَيْتُهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا. (کهف / ۷)
ما این چیزها را که روی زمین هست آرایش آن کرده‌ایم تا ایشان را ببازماییم که
کدامشان از جهت عمل بهترند.

نیز فرمود:

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ. (يونس / ۸۸)

موسی گفت: پروردگارا تو فرعون و اشرافش را در زندگی این دنیا زینت آلات و مال و منال داده‌ای که بدین وسیله بندگان را گمراه کنند.

و می‌فرماید:

أَلْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا. (کهف / ۴۶)

مال و فرزندان زیور زندگی این دنیا است و کارهای شایسته نزد پروردگارت ماندنی تر و دارای پاداشی بهتر و امید آن بیشتر است.

در جایی دیگر زینت دنیایی را یکی از مظاهر بیرونی اصلی دنیا و دنیاطلبی معرفی می‌کند:

إِعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ، ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرِبُهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ. (حدید / ۲۰)

بدانید که زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی، تجمل و تفاخر در میان خودتان و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که رویدنی‌هایش کشاورزان را به شگفت می‌آورد و آنگاه بخشکد به گونه‌ای که آن را زرد بینی و سپس خرد شود و در آخرت عذاب شدید است یا آمرزش الهی و رضای او؛ و زندگی دنیا چیزی جز سرمایه فریب نیست.

بنابراین به‌طور کلی تمام اموال و دارایی‌های دنیوی و چیزهای جالب توجه و جذاب مادی همه زینت‌های حیات دنیا هستند که کسی که در مسیر آخرت است، هرچه می‌تواند باید از آنها صرف‌نظر کند. از همین رو است که به پیامبر خود دستور می‌دهد از توجه و طلب زینت دنیا بپرهیزد:

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَبْتِي يُرِيدُونَ وَجْهَهُ، وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا. (کهف / ۲۸)

با کسانی که بامداد و شبانگاه پروردگار خویش را می‌خوانند و رضای او را می‌جویند با شکیبایی قرین باشد و دیدگانت به جستجوی زیور زندگی دنیا از آنها منحرف نشود.

کسی را که دلش را از یاد خویش غافل کرده‌ایم و هوس خود را پیروی کرده و کارش زیاده‌روی است اطاعت مکن.

تحلیل و جمع‌بندی

چنان‌که ملاحظه شد در تفسیرهای گروه نخست تقریباً هیچ اشاره‌ای به زینت‌های معنوی نشده است و در تفسیرهای عرفانی و اشاری به عکس این گروه، زینت در نماز تنها به معارف، احوال و زیبایی‌های معنوی تفسیر شده است. دسته سوم از تفاسیر که هر دو جنبه آیه را در نظر گرفته‌اند، دارای جامعیت بیشتری می‌باشند. در مقام داوری باید گفت: شأن نزول آیه عریان نماز نخواندن است و نخستین معنایی که از آیه به اجماع استفاده می‌شود همین معنا است. همچنین آیه مطابق احادیث به برخی زینت‌های ظاهری که مصادیقش در احادیث آمده، نیز نظر دارد؛ یعنی: لباس ساده، سفید، تمیز و معطر و یا شانه‌زدن قبل از نماز و ژولیده نبودن.

اما از جانب دیگر زینت‌های باطنی و معنوی را نیز که مفسران به حسب ذوق و سلیقه خود برشمرده‌اند، در نماز نباید از نظر دور داشت. تمایل به معنوی معنا کردن زینتی که در نماز لازم است، از معنای منفی زینت‌های دنیایی در قرآن به وجود می‌آید؛ به خصوص اگر تعبیر «زینة الله» با تعابیری مانند: «صبغه الله» یا «ایام الله» مقایسه شود که در موارد مشابه، اضافه لغتی به «الله» نشان‌دهنده جنبه قدسی و الهی قضیه است. از سوی دیگر اگر آیه را در کنار آیاتی که زینت حیات دنیا را سرمایه فریب می‌داند یا باقیات الصالحات را دارای پاداش بهتر و امیدوار کننده‌تر از زینت دنیا معرفی می‌کند، معنا شود، می‌توان تفسیر «زینة الله» را در آیه، به زینت‌های باطنی نمازگزار، موجه دانست. از آیات قرآن درباره زینت مشخص می‌شود مسائل مالی هرچه باشد از جمله زینت‌های حیات دنیا است که در مقابل باقیات الصالحات و آراستگی‌های معنوی قدری ندارد. جای دیگر نیز قرآن کریم زینت بودن لباس را همین می‌داند که زشتی‌های انسان (شرمگاه) را می‌پوشاند:

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ
ءَايَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ؛ (اعراف / ۲۶)

ای فرزندان آدم! بی‌گمان برایتان لباسی فرو فرستادیم تا شرمگاه‌هایتان را بپوشاند و زیوری باشد اما جامه پرهیزگاری، بهتر است. این از آیات خداست. باشد که آنها پند گیرند.

بنابراین از آن جهت که در لغت «زین» در مقابل «شین» است و لباس سوات (زشتی‌ها) را می‌پوشاند، در بیان قرآن زینت نامیده شده است و همین مقدار برای زینت نامیدن آن در آیه مورد بحث کافی است

و نیازی نیست «خُذُوا زِينَتَكُمْ» را لباس تجملی معنا کنیم و به هیچ عنوان نمی‌توان استفاده از لباس‌های تجملاتی در نماز یا غیر نماز را از آیه استنباط کرد. افزون بر این که در همین آیه ۲۶ سوره اعراف می‌فرماید: لباس ظاهری موجب زینت است، اما لباس تقوا بهتر و زینت‌بخش‌تر است و طبعاً لباس تقوا با مسجد که مکان عبادت و خالص شدن برای خدا است مناسب‌تر است و روشن است که آراستگی‌های روحی و معنوی با حال نماز و مکان مسجد مناسب‌تر است.

به‌عنوان تحلیل روایات مذکور در تفاسیر در ذیل آیه، باید گفت روایاتی که مبنی بر پوشاندن عورت در نماز یا پوشیدن لباس سفید و تمیز یا شانه کردن مو وارد شده در همه تفاسیر آمده و همه به آنها استناد کرده‌اند، اما احادیثی که دال بر پوشیدن لباس‌های گران‌قیمت و زینت است با احادیث دیگری در تضاد است، از جمله از پیامبر ﷺ درباره اتفاقاتی که در آینده خواهد افتاد روایت شده که فرمود:

... مردم راه را رها کرده‌اند و به دنیا رو می‌آورده و آخرت را رها می‌کنند، چیزهای نیکو می‌خورند، لباس‌های زینتی می‌پوشند در نیکویی غذا و نوشیدنی و بوهای خوش خود را غرق می‌کنند، در برج‌های بلند و خانه‌های زینت یافته زندگی می‌کنند و ... با تأویل اشتباه از قرآن می‌گویند: «مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ». (حلی، ۱۴۰۶: ۲۰؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۵۷)

پوشیدن لباسی با قیمت ۵۰ دینار، اسراف و تبذیر است و با دیگر احادیث از سیره ائمه اطهار ﷺ سازگار نیست. از جمله امام علی ﷺ در خطبه متقین درباره اهل تقوا می‌فرماید: «ملبسهم الاقتصاد و مشبهم التواضع» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۱) و در حدیثی امام علی ﷺ خطاب به ابوذر فرمود:

یا اباذر من ترک لبس الجمال و هو یقدر علیه تواضعاً لله فقد کساه حله الکرامه؛
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۹۲)

ای ابوذر هرکس پوشیدن لباس زیبا و تجملی را درحالی که می‌تواند، از روی تواضع برای خدای متعال ترک کند، خدا خلعت کرامت به او می‌پوشاند.

در آنجا که نقل شده امام رضا ﷺ متعرض برخی شدند که ادعای ترک دنیا داشتند، نیز منظور تشویق به لباس تجملی نیست، چنان که خود امام رضا ﷺ در زمان ولایتعهدی بر خلاف مأمون که با لباس طلاافت و اشرافی به نماز می‌رفت، با پای برهنه و لباسی در نهایت سادگی به نماز عید رفت، نه لباسی تجملاتی و گران‌قیمت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹ / ۱۳۴) در حدیثی نیز که از برخورد ثقیان ثوری با امام صادق ﷺ نقل شده این برداشت او از قیمتی بودن لباس امام است و در اصل روایت است که امام لباس

مروی نیکویی پوشیده بود که طبعاً لباس مناسبی در آن زمان بوده است نه لباس تجملات؛ معنای کلام امام جواز رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی نیست (حرمت اسراف و تبذیر از نظر فقهی و ممنوع بودن حرص و طمع دنیوی از نظر اخلاقی در جای خود ثابت است) بلکه مراد امام علیه السلام این است که وقتی رفاه عمومی وجود دارد و همه مردم لباس خوب می‌پوشند، چنین پوششی لباس معمولی جامعه است و پوشیدن آن برای امام و دیگر مؤمنین جایز است و مانع شرعی ندارد.

کلینی نقل می‌کند کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: امام علی علیه السلام لباس خشن و کهنه و کم‌قیمت می‌پوشید و پیراهن ایشان فقط چهار درهم قیمت داشت، چرا شما لباس نو می‌پوشید؟ ایشان در جواب فرمود: «در آن زمان مردم بسیار فقیر بودند و اگر الآن کسی آن لباس را بپوشد لباس شهرت خواهد بود، بهترین لباس در هر زمان همان لباس معمولی آن زمان است، البته امام عصر علیه السلام که ظهور کند همان لباس حضرت علی را خواهد پوشید و به همان شیوه رفتار خواهد کرد». (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۴۱۱) به نظر می‌آید غیر از این که امام با اشاره به روش امام عصر (ارواحتنا فداه) صحیح‌تر بودن این نوع پوشش را می‌رسانند، به اشاره می‌رسانند که خود ایشان نیز اگر شرایط جامعه اجازه می‌داد - یعنی باعث انگشت‌نما شدن نبود - همین روش را (یعنی پوشیدن لباس کم‌قیمت و فقیرانه را) عمل می‌کردند. آنچه فصل الخطاب احادیث است روایت مروی از امام علی علیه السلام در «نور الثقلین» است، چنان‌که در صدر حدیث ملاحظه می‌شود استفاده از دنیا برای مؤمنین در حد مباح و حد ضرورت بی‌نیازی از دنیا است، پس «بهترین خوراک و پوشاک» که در ذیل حدیث آمده مقید به مباح بودن و در حد کفاف و نیاز بودن است، نه اینکه بدون حد قابل استفاده باشد.

نتیجه

روایات معدودی که در ذیل آیه نقل شده و ممکن است به جواز پوشیدن لباس تجملاتی در نماز یا غیر آن اشعار داشته باشد، با توجه به منطق قرآن درباره حیات دنیا و آیاتی که زینت دنیا را مایه امتحان دانسته، یا از توجه به زینت‌های دنیا نهی کرده، یا زینت حیات دنیا را سرمایه فریب می‌داند و امثال آن رد می‌شود و همچنین با روایات متعددی که در نقطه مقابل و در اثبات ساده‌زیستی و لزوم دوری از تجملات در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام وجود دارد، مردود می‌باشد.

از مجموع روایات چنین استنباط می‌شود که هرچند پوشیدن لباسی که لباس شهرت نباشد و از شأن اجتماعی فرد بالاتر نباشد و پوشیدن آن اسراف و تبذیر نباشد، حرام نیست و مباح است، اما بهترین لباس برای نماز، لباس معمول و متوسط، تمیز و آراسته است و خوب است در اعیاد شخص لباس خوش را بپوشد.

بر اساس آنچه گذشت، اینکه مؤمن در بهره‌برداری از زینت‌های دنیا به‌طور مطلق آزاد باشد، یا استفاده از هر نوع زینتی دنیایی محبوب خدا باشد به‌هیچ عنوان از آیه استفاده نمی‌شود و مطلب صحیحی نیست.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، تصحیح محمد عبده، قم، دار الذخائر.
- آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۷۴، ترجمه قرآن کریم، تهران، سروش.
- ابن عربی، محیی‌الدین محمد، ۱۴۲۲ ق، تفسیر ابن عربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- الهی قمشه‌ای، مهدی، ۱۳۸۰، ترجمه قرآن کریم، قم، فاطمه الزهراء علیها السلام.
- ارفع، سید کاظم، ۱۳۸۱، ترجمه قرآن کریم، تهران، فیض کاشانی.
- انصاریان، حسین، ۱۳۸۳، ترجمه قرآن کریم، قم، اسوه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- پورجوادی، کاظم، ۱۴۱۴ ق، ترجمه قرآن کریم، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- حلّی، ابن فهد، ۱۴۰۶ ق، التخصیص، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
- حمیری قمی، عبدالله ابن جعفر، ۱۴۱۳ ق، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
- خسروانی، علیرضا، ۱۳۹۰، تفسیر خسروی، ج ۳، تهران، اسلامیه.
- خواجوی، محمد، ۱۴۱۰ ق، ترجمه قرآن کریم، تهران، مولی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت و دمشق، دار العلم و الدار الشامیه.
- شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۷۴، ترجمه قرآن کریم، تهران، اسلامیه.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰، ترجمه تفسیر عاملی، تهران، صدوق.

- فاضل مقداد، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، ۱۴۱۹ ق، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- فولادوند، محمد مهدی، ۱۴۱۵ ق، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، دار القرآن الکریم.
- فیض الاسلام، سید علی نقی، ۱۳۷۸، *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*، تهران، فقیه.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، بی تا، *لطائف الاشارات*، مصر، هیئته المصریه العامه للکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب اسلامی.
- گرمارودی، علی، ۱۳۸۴، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، قدیانی.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق، *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادہ*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- مجتبی، سید جلال‌الدین، ۱۳۷۱، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، حکمت.
- مجد، امید، ۱۳۸۲، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، امید مجد.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- میبدی، رشیدالدین احمد، ۱۳۷۱، *کشف الاسرار و عده الابرار*، تهران، امیرکبیر.
- نخجوانی، نعمت الله بن محمود، ۱۹۹۹ م، *الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه*، مصر، دار رکابی للنشر.
- نراقی، محمد مهدی، بی تا، *جامع السعادات*، نجف، دار النعمان.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البت علیه السلام، لایحیاء التراث.

